

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768



۲۱ دی ۱۳۸۰

۱۱ ژانویه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

اصغر کریمی

Tel: 0044-771-409-7928
asqar_karimi@yahoo.com

اسد گلچینی دبیر کمیته تشکیلات گل کشور
Tel: 0044-794-041-6768
asad.golchini@ukonline.co.uk

شهلا دانشفر دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب
Tel: 0046-739 855 837
r_hoseinzadeh@yahoo.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته مرکزی
سازمان جوانان کمونیست
Tel: 0049-174-944-0201

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

از مبارزات و مطالبات کارگران حمایت کنید!

نامه اصغر کریمی به سازمانهای کارگری در سراسر جهان



خیز و همه کارگران ایران زنده است. بار دیگر شما را به حمایت از مبارزه و مطالبات کارگران خیز در ایران و بویژه مطالبه افزایش دستمزد کارگران و محکوم کردن توطئه ها و تهدیدات فعالین کارگری دعوت میکنم.

زنده باد همبستگی
بین المللی کارگری

اصغر کریمی
از طرف حزب کمونیست کارگری
ایران
۸ ژانویه ۲۰۰۲

سندیکا. مبارزه اخیر کارگران خیز در سقز و چند شهر دیگر تاکنون با حمایت ۱۶ مجتمع کارگری در ایران روبرو شده است. این با توجه به خفقان موجود در ایران یک همبستگی شکوهمند کارگری محسوب میشود. رژیم اسلامی قصد انتقام و درهم شکستن اتحاد و تشکل کارگران را دارد. دستگیری رهبر سندیکا در سالهای قبل نتیجه معکوس داد و به همبستگی گسترده کارگران با سندیکای خیزان مواجه شد. رژیم اسلامی اشکال دیگری از توطئه تعرض را شروع کرده است. این تعرضات نیز باید در هم شکسته شود. حمایت صمیمانه و گسترده شما همچنان در خاطر کارگران

قول داده شد روز ۵ ژانویه به خواستهایشان رسیدگی شود. مسئولین حکومت اسلامی اما بجای رسیدگی به مطالبات کارگران تهدید و توطئه علیه آنان را شروع کردند، چیزی که کاملاً قابل پیش بینی بود. مسئولین سندیکا را تهدید و یکی از آنان را احضار کردند و سپس در تاریخ ۶ ژانویه شبانه به دفتر سندیکا و شرکت تعاونی سندیکا دستبرد زدند و چند هزار دلار اموال شرکت تعاونی را به سرقت بردند. هدف حکومت اسلامی روشن است: ضربه مالی و نیز ضربه به وجهه و اعتبار سندیکا، سد کردن روند حمایت از مبارزه کارگران خیز، ایجاد شکاف در میان کارگران و پاپوش دوختن برای فعالین و کارگران مبارز در

به اطلاعاتان میرسانم که سندیکای کارگران خیز شهر سقز و چند شهر دیگر در ایران از چند هفته پیش مبارزه قاطعی را برای افزایش دستمزدهای خود شروع کرده اند. یادآوری میکنم که محمود صالحی، از فعالین سندیکای خیز سقز، بدنبال اعتراضات کارگران در شهرهای ایران و حمایت باشکوه سازمانهای کارگری در سراسر جهان، سال قبل از زندان آزاد گردید. اعتراضات دور اخیر کارگران خیز سقز با حمایت و پشتیبانی فعال سندیکاهای خیزان در چند شهر دیگر روبرو شده است. در نشست ۲۹ دسامبر نمایندگان کارگران با استانداری کردستان و فرمانداری سقز، به کارگران

آنها که عبرت نمی گیرند!



مصطفی صابر
mosaber@yahoo.com

و از آن عبرت نگرفته اند. دوم خرداد و دولت آن به شهادت وقایعی مثل ۱۸ تیر سرکوب کننده مقاومت و اعتراض توده ای بوده و هست. محتوای عملی جست و خیز و تحرک اخیر دوم خرداد (که بقول بهزاد نبوی توسری اخیر در آن بی تاثیر نبوده است) چیزی جز هیاهو و چانه زدن با جناح رقیب در چهارچوب "قانونی" و "بشت میز مذاکره" برای گرفتن امتیازات و در عین حال خریدن وقت برای جمهوری اسلامی درمانده نیست. تقلایی که دیگر قدرت رنگ آمیزی کمتر کسی را دارد. آنچه که اوضاع ایران را رقم خواهد زد دعوای جناح ها نیست، مبارزه مردم برای رها شدن از شر کل اینها و جمهوری اسلامی است. ■

تعریف کند. اما معجزه ای رخ نخواهد داد و امام زمانی ظهور نخواهد کرد. برنده این دور جدید بر خلاف ظواهر امر جناح راست نخواهد بود. سیاست هایی که جناح راست آشکار و بی کم و کاست از آن دفاع میکنند چه در داخل و چه در سطح منطقه و جهانی فی الحال شکست خورده است. آنها هیچ افق و چشم اندازی ندارند. دوم خردادی ها اما این مشکل را دارند که از مردم و حرکات توده ای اعتراضی آنها به مراتب بیش از توسری های ولی فقیه وحشت دارند. لذا دنبال راه حلی میگردند که در عین آنکه کل رژیم به مخاطره نیفتد، یعنی میدان تحرک و دخالت وسیع مردم فراهم نشود، از اوضاع بعد از ۱۱ سپتامبر به نفع خود و طبعاً برای بقا، نظامشان بهره گیرند. "بازدارندگی فعال" و "تشکیل کنگره دوم خرداد" و غیره در واقع انعکاس این جهت گیری است. برخی اصلاح طلبان خارج حکومت، نظیر اکثریت، میکوشند مثلاً بازدارندگی فعال را به "مقاومت توده ای" و نظیر آن تعبیر کنند. این صرفاً یک بازارگرزی برای سیاست های ریاکارانه و شکست خورده دوم خردادی است. این نقشی رقت انگیز و ارتجاعی است که اینها بارها انجام داده اند

این اوضاع البته مدتی است که در ایران برقرار است، اما بعد از ۱۱ سپتامبر، با سرنگونی طالبان و تضعیف اسلام سیاسی، توازن قوا بین حکومت و مصلحین و مدافعانش از یکسو با مردم و سرنگونی طالبان از سوی دیگر بهم خورد. مردم در حرکات مختلف و بویژه در تظاهرات های فوتبال این تغییر توازن قوا را به نمایش گذارند. در سراسر ایران در تمام میادین اصلی شهرها مردم به بهانه فوتبال به خیابان ریختند و علیه رژیم شعار دادند. اعتراضات کارگری وسعت گرفت، اعتراضات "صنفي" دانشجویی بالا گرفت (مقامات مربوطه تازه این هفته به وسعت آن اعتراف کردند) و اکنون زمره اعتراض در بین معلمان شنیده میشود. بساط اعدام و ارباب و حد زنی در ملاء عام به عقب رانده شد. احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در ابعادی گسترده تر مورد توجه مردم قرار گرفتند. کل این اوضاع، یعنی تضعیف اسلام سیاسی و بهم خوردن توازن قوا بین مردم و حکومت، به دور تازه و پر گرد و خاکی از دعوی جناح ها منجر گردید. دعوایی که توافقات قبلی مبنی بر ایجاد خط وفاق را بهم ریخت و میروند تا از نو نقطه تعادل جدیدی را

یکی از روزنامه های دوم خردادی از قول یک خواننده نقل کرد: حرفهای آقای جنتی در نماز جمعه که گفته بود باید از ماجرای آرژانتین عبرت گرفت البته حکیمانه بود، اما لازم نیست راه خیلی دوری رفت از همین طالبان بغل گوشمان هم میتوان عبرت گرفت! این جملات دو پهلو و طنز گونه حقیقت اوضاع سیاسی ایران را بیان میکند. اینکه ربط اوضاع افغانستان و یا آرژانتین بطور مشخص به اوضاع ایران چیست، خود موضوع دیگری است. نکته اینست هر جایی که رژیم آن سرنگون میشود یا مردم برای تغییر حکومت به خیابان می ریزند، فوراً مورد توجه و موضوع "عبرت" گیری مردم و مقامات جمهوری اسلامی قرار میگیرد. هم مردم و هم حکومت علنی تر و صریح تر از هر زمان از سرنگونی و فروپاشی و اضمحلال رژیم حاضر سخن میگویند. از صحن اتوبوس دو طبقه های تهران تا بیت رهبر موضوع بحث یکی است، مواضع متفاوت است. (مثلاً به سخنان این چهارشنبه خامنه ای رجوع کنید که میکوشد به دولتمردان قوت قلب بدهد که "نترسید و مرعوب نشوید"، از "قانون اساسی و امام پیروی کنید تا بمانیم".)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انترناسیونال هفتگی پاسخ میدهد

خوانندگان انترناسیونال هفتگی در نامه های خود درباره مطالب نشریه و مسائل مختلفی اظهار نظر و سوال مطرح میکنند. تلاش میشود به برخی از این نکات که جواب به آنها جنبه عمومی دارد در این ستون پاسخ داده شود.

احزاب سیاسی و راه حل های آنها برای جامعه ایران

۳- با توجه به وضعیت اقتصادی ایران، چگونه میشود برنامه حزب کمونیست کارگری را پیاده کرد؟



فاتح بهرامی

شناخت از برنامه و اهداف آنهاست و باید احزاب سیاسی را وادار کرد که روشن درباره خود و جامعه مورد نظرشان با مردم صریح و بی پرده صحبت کنند. اما روشن است که خود ادعای این جریانات حقیقت ندارد. راستش از نظر من مخالفت با برنامه حزب کمونیست کارگری مخالفت مستقیم با منافع اکثریت عظیم انسانهای جامعه، مخالفت با حقوق و آزادیهای مردم و مخالفت با برابری و طرفداری از تبعیض و نابرابری و در یک کلام مخالفت با معیار و استاندارد است که تاکید میکند زندگی مردم باید انسانی و در شان انسان باشد. دلیلش هم همان نکته ای است که در نوشته دو هفته قبل اشاره کردم، یعنی حرکت از منفعت اقلیتی از جامعه که باید اکثریت عظیم مردم را برای تامین منافعش به انقیاد بکشد و نمیشود و غیر ممکن گفتن های اینها نیز در خدمت همین است. و گرنه نادرست بودن ادعاهای مطرح شده درباره ویژگیهای اقتصاد و سیاست و فرهنگ جامعه از روز روشنتر است. ابتدا به نکاتی درباره جنبه اقتصادی این ادعا میپردازم. بحث غیر ممکن بدلیل اقتصادی یک بحث اقتصاد و آمار و یا نتیجه تحقیق وزارت اقتصاد و دارائی نیست. صاف و ساده بحث مخالفت با کم شدن سود اقلیت سرمایه داران و اضافه شدن حقوق و رفاه کارگران و مردم زحمتکش است. چون طبق برنامه ما اگر قرار باشد

مضر است! اولاً این شکل طرح بحث از طرف این جریانات، که از طرفی برنامه خود را به مردم اعلام نکرده اند و از طرف دیگر عموماً راجع به حقوق و آزادیهای مندرج در برنامه ما اظهار نظر نمیکند و سر بسته از غیر ممکن بودن تحقق آن حرف میزنند، باین دلیل است که نمیخواهند مستقیماً در مقابل آنچه مربوط به زندگی همین امروز میلیونها انسان در آن جامعه است چنگ و دندان نشان دهند. چون در غیر اینصورت سریعاً خیل وسیع مردم آن جامعه را در مقابل خود خواهند دید و این در شرایطی که اینها در اپوزیسیون قرار دارند به نفعشان نیست. بعنوان مثال فرض کنید که یکی بجای اینکه بگوید بدلیل عقب ماندگی و ورشکستگی اقتصادی تحقق این برنامه غیر ممکن است، بگوید که ما با برنامه حزب کمونیست کارگری مخالفیم چون مثلاً طرح اینها برای بیمه بیکاری و رفاه همگانی کارگران را تنبل میکند و به تولید و اقتصاد ملی لطمه میزند و مردم باید بیشتر کار کنند و کمتر حقوق بگیرند تا وضع همه بهتر شود، چیزی که تمامی دولتهای در قدرت با بیانههای مختلف همین را میگویند. در اینصورت کسی سراغ این جریانات نمیرود و گفتن همین نکته کافی است که مردم تکلیفشان را با آنها روشن کنند. بهمین دلیل است که قبلاً نیز تاکید کردم که اولین شرط مهم برای شناخت از احزاب سیاسی

مثلاً در جامعه همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال بیمه بیکاری دریافت کنند، طب و بهداشت و آموزش و پرورش رایگان باشد و پس از کودکان زیر ۱۶ سال تحت تکلف دولت باشند، به همه افراد بالای ۵۵ سال بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی پرداخت شود، تشکل و اعتصاب آزاد باشد و ساعت کار به ۳۰ ساعت در هفته کاهش یابد و دستمزد کارگر متناسب با تورم بطور اتوماتیک افزایش یابد، زن و مرد در ازای کار مشابه مزد یکسان دریافت کنند و مجموعه دیگری از مطالبات رفاهی بنفع مردم به قانون تبدیل شوند، آنگاه سرمایه داران محترم باید سر کیسه را شل کنند و حاضر شوند که بخشی از ثروت عظیمی را که هر روز کارگران آن مملکت تولید میکنند به جامعه برگردد و در خدمت رفاه شهروندان قرار گیرد. مساله اصلی اینست که سرمایه داران با این مخالف هستند و برای جلوگیری از اینها ساواک و ساواما و ارتش و پاسدار و دادگاه و زندان و شکنجه گاه درست کرده اند. در همین جمهوری اسلامی که اقتصادش ورشکسته و بحرانی است و بخش عمده ای از تولیدش خوابیده است، هر جوجه پاسداری را که نگاه کنی میلیونر است و ارقام دارائی آنها در کاربستان مملکت که دیگر ارقامی نجومی است و در عوض کارگران پول کرایه خانه شان را ندارند و هر روز باید برای گرفتن دستمزدشان جاده ببندند. و اگر مانند سندیکای خبازان سقز موفق شوند که در مذاکره بر سر افزایش دستمزد کارفرما را به عقب نشینی وادار کنند، تعدادی اوپاش اسلام را شبانه میفرستند که سقف سندیکای آنان را سوراخ کنند و دارائی ها و وسایل سندیکا را به غارت ببرند. ثروت از سر و کول عوامل جمهوری اسلامی بالا میبرد و همه شان دارند میدزدند و میاندوزند و مردم هم گرسنگی میکنند، و البته میگویند که پول نداریم حقوقها را بدهیم و دستمزدها را افزایش بدهیم در جمهوری اسلامی امروز دیگر از عوامل حکومتی کسی وجود ندارد که منکر دزدی و بچاپ بچاپ باشد، صحبت اینست که جلو افشای

دزدیهای خیلی کلان را بگیرند. سوال اینست که اگر پول و ثروت وجود دارد که اینها دارند میدزدند، پس این ثروت و پول مال کیست، از کی میدزدند، آیا بجز ثروتی است که مردم کارکن جامعه روزانه با کارشان تولید کرده اند؟ بنابراین مساله اینست که ثروت در جامعه وجود دارد و تولید میشود اما صرف چیز دیگری میشود و دائماً تلاش میکنند که سهم تولید کنندگان آنرا محدود و محدودتر کنند. فقط کفایت هزینه چند قلم مانند جنگ و ارتش و دستگاههای سرکوب و زندانها و تبلیغات حکومتی را به رفاه جامعه و اقلامی که در برنامه حزب ما ذکر شده اختصاص داد تا سر و وضع همه مردم عوض شود. بهمین سادگی میشود.

اما کسانی که میفرمایند هزینه تامین رفاهیات مورد نظر حزب کمونیست کارگری وجود ندارد و پول نداریم که بیمه بیکاری بدهیم، ترفته اند جامعه ای مرفه و انسانی درست کنند و بعد هنگام چرتکه انداختن برای معالجه کردن هزینه ها با کمبود پول مواجه شده باشند. اینها کسانی هستند که اگر در قدرت باشند تظاهرات بیکاران را به گلوله میبندند، و فعال و رهبر اعتصاب کارگری برای افزایش دستمزد را به زندان میاندازند، کاری که رژیم های پهلوی و جمهوری اسلامی و امثال این رژیمهای سرمایه انجام داده اند. میزان تمدن و انسانیت اینها باندازه کلفتی کیف پولشان است. اگر سودشان کم شود نه به شیر بچه رحم میکنند و نه به لقمه نان خشک مزد بگیران. بالاخره باید به کسانی که در مقابل طرح مطالبات رفاهی برای جامعه و برنامه حزب کمونیست کارگری نمیشود و امکان ندارد میگویند، باید گفت لطفاً اسلحه علیه مردم بدست نگیرید و مدتی آرام بگیرید و حکومت را به دست شوراهای مردم بسپارید تا آنها به شما نشان دهند که میشود با همکاری و تعاون مردم جامعه ای پر از رفاه و انسانیت و خوشبختی برای همه بوجود آورد. در بخش بعدی به جنبه فرهنگی و سیاسی این موضوع اشاره خواهم کرد. ■

انترناسیونال هفتگی را تکثیر و پخش کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
 Z.I. Konto:
 520 5164 008
 BLZ: 10090000
 Beliner Volksbank
 Germany

Website:
www.haftegi.com
 Email:
haftegi@yahoo.com
 Fax: 0044-8701207768

Address:
 BM Box 8927
 London
 WC1N 3XX
 England